

## قرآن از دیدگاه دانشمندان غیر مسلمان

حجت الاسلام والمسلمین حسین احسانی فر\*

### اشاره

مقام نبوت، به دلیل علو مرتبه اش، با هیچ منصبی قابل مقایسه نیست. چنین جایگاه رفیعی اقتضا دارد که مدعی نبوت جهت اثبات صدق ادعای خود، دلیل و برهانی ارائه دهد که دیگران از ارائه آن عاجز باشند. از این رو، به برهان صدق ادعای پیامبران، «معجزه» گفته می شود.

معجزه پیامبران، باید متناسب با فکر و فرهنگ مخاطب و شرایط زمان و مکان رسالتش باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اقتضای اینکه آخرین پیامبر و رسالتش جهانی است، معجزه اش باید متناسب با فرایند رشد و تکامل «عقول و علوم» انسان در همه زمان ها و مکان ها باشد. در جهان امروز نیز با همه تبلیغات زهر آگین، فوج عظیمی از دانشمندان و پژوهشگران را می بینیم که قرآن را به عنوان تنها نسخه نجات بخش بشر معرفی می کنند. در این مجال، بیان دیدگاه همه اندیشمندان جهان در مورد قرآن میسر نیست؛ اما در این مجال، به بیان دیدگاه شماری از آنان می پردازیم.

---

\* پژوهشگر حوزه علمیه.

## ۱. فراتر از زمان و مکان

کنت کریک، استاد دانشگاه کمبریج، می‌گوید: «قرآن، کتابی نیست که برای یک دوره به‌خصوص آمده باشد؛ کتابی است جاوید برای تمام اعصار، و تا جهان است، نوع بشر می‌تواند قرآن را راهنمای زندگی خود قرار بدهد... چرا که قرآن برای یک دوره به‌خصوص نیامده و هرگز کهنه نمی‌شود؟... زیرا چیزی وجود ندارد که در قرآن نیامده باشد.»<sup>۱</sup>

بانو لوراواکسیا و اگلیری، ایتالیایی، استاد دانشگاه ناپل، می‌گوید: «ما در این قرآن ذخایر و اندوخته‌هایی از علوم را می‌بینیم که مافوق استعداد و ظرفیت باهوش‌ترین و متفکرترین اشخاص است و بزرگ‌ترین فیلسوفان و قوی‌ترین سیاست‌مداران باید در مقابل قرآن، زانوی عجز و ناتوانی به زمین بزنند.»<sup>۲</sup>

ناپلئون، امپراتور فرانسه می‌گفت: «قرآن، به‌تنهایی عهده‌دار سعادت بشر است. من بارها و آشکارا گفته‌ام: کجاست آن روزی که ما مجتمع و هیئتی بزرگ از سیاست‌مداران و علمای حقوق دنیا تشکیل دهیم و قرآن، این کلام الهی و متین‌ترین قوانین محمدی و نسخه پُرافتخار بشری را پیش رو گذاریم و از روی آن، قوانین خوشبختی و سعادت حقیقی بشر را تنظیم کنیم؟»<sup>۳</sup>

## ۲. سهولت قوانین اسلام و آسان بودن فهم قرآن

اگر تبلیغات زهراگین دروغ‌پردازان دنیا طلب به مردم مجال اندیشیدن و برگزیدن دهد و بگذارند که مردم به اختیار و تشخیص خود، دین را برگزینند، قطعاً اسلام و قرآن را انتخاب می‌کنند؛ زیرا فهم قرآن آسان و قوانین آن هماهنگ با فطرت است. این، حقیقتی است که قرآن به آن اشاره نموده و صاحبان اندیشه بدان اعتراف دارند. قرآن می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛<sup>۴</sup> خداوند، برای شما آسانی را می‌خواهد؛ نه سختی را.» بسیاری از

۱. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۲۹.

۲. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۸.

۳. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۳۰.

۴. بقره، آیه ۱۸۵.

ادیان و مذاهب موجود، با قوانین سخت و طاقت‌سوز، توان بدنی و روحی و اجتماعی پیروانشان را می‌فرسایند؛ اما قرآن، با ارائه قوانین آسان، زیستن آسایشمند و رشد‌آفرین و لذت‌بخش مادی را با شکوه معنوی آمیزش داده و انسان را در تنگنای سختی‌ها نمی‌کشانند. از این رو، می‌فرماید: «ما يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ؛<sup>۱</sup> خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید.» و یا می‌فرماید: «هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛<sup>۲</sup> او (خدا) شما را برگزیده و در دین [اسلام] برای شما هیچ مشقت و سختی طاقت‌فرسایی قرار نداده است.»

تولستوی دانشمند معروف روسی، در کتاب خود به نام حکم محمد می‌نویسد: «هرکس بخواهد سادگی و بی‌پیرایه‌بودن دین اسلام را بفهمد، باید قرآن مجید را با دقت نظر مطالعه نماید؛ زیرا در آنجا احکام و قوانینی بر مبنای حقایق روشن و آشکار، صادر [گردیده] و تعلیماتی سهل و آسان برای عموم بیان شده است.»<sup>۳</sup>

خوزه مارتینز، دانشمند و نویسنده بلندآوازه ایتالیایی، می‌گوید: «به نظر من، اسلام دینی آسان و فهمیدنی است؛ ولی شما می‌بینید در مسیحیت به اندازه‌ای روایات گیج‌کننده است که گاهی یک کشیش هم سر نخ تثلیث را از دست می‌دهد.»<sup>۴</sup>

کنت دو گوینو می‌گوید: «هیچ دینانی، تسامح‌جوی‌تر و شاید بی‌تعصب‌تر از اسلام وجود ندارد.»<sup>۵</sup>

جورج ویلز، دانشمند و تاریخ‌نگار مشهور انگلیسی نیز در کتاب مختصر عمومی خود می‌نویسد: «اسلام، سعادت و آرامش و آسایش را به‌رایگان به جهانیان عطا نمود و یک نظام اجتماعی و سیاسی بود که در روزگار تیرگی دنیا نمایان شد و تیرگی‌ها را مرتفع و بدی‌ها

۱. مائده، آیه ۶.

۲. حج، آیه ۷۸.

۳. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه سحاب، ص ۱۵۴.

۴. میراحمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی علیه السلام، ص ۳۸۳.

۵. محمد آراسته‌خو، وامداری غرب نسبت به شرق، ص ۴۷۷.

را زایل ساخت و خرگاه‌های بیدادگری را بسوزانید و حکومت‌های جابرانه را از میان برداشت. تأثیری را که قرآن بزرگ و مقدس در عالم کرد، هیچ کتابی قادر به چنین اعجاز بزرگی نبوده است. قرآن، کتابی است دینی و تربیتی و اخلاقی و اجتماعی و تاریخی و ساده. مساهله قرآن، از اعجازهای بزرگ آن است.<sup>۱</sup>

### ۳. جامعیت قرآن و هماهنگی با علم و تمدن

قرآن، جامع همه نیازهای بشر است؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ<sup>۲</sup>؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.» و یا می‌فرماید: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ<sup>۳</sup>؛ ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم.» یعنی هر آنچه بشر به آن نیازمند است، در قرآن آمده است؛ البته منظور از جامعیت قرآن، این است که کلیات تمام علوم و اطلاعاتی که بشر در راه تکامل حقیقی و نیل به هدف اصلی آفرینش، یعنی قرب الهی نیاز دارد، در قرآن وجود دارد.<sup>۴</sup>

پرفسور خوزه مارتینز می‌گوید: «اسلام، دینی کامل و جامع است با تمام قوانین صحیح زندگانی. من شخصاً قرآن را پنج بار دقیقاً مطالعه کرده‌ام. در سطر سطر آن، قانون و ثبات دیده می‌شود.<sup>۵</sup> آقای سُدیو، دانشمند فرانسوی<sup>۶</sup> نیز می‌گوید: «قرآن، چیزی را از احکام و مقررات فروگذار ننموده، آدایش بر حکمت، اساس آن بر عدل و احسان استوار گشته و غرض آن، پیمودن راه حق و منع از رفتار باطل و دفع گمراهی و ضلالت و بیرون‌شدن از تاریکی رذالت و پستی، به جانب انوار فضایل و کمالات می‌باشد. قرآن، شامل تمام مبادی و اصولی است که به پیامبران سلف از آیات و معجزات داده شده و مشتمل مواعظ و احکامی

۱. جورج ویلز، مختصر تاریخ عمومی، ص ۲۰۳.

۲. نحل، آیه ۸۹.

۳. انعام، آیه ۳۸.

۴. محمدتقی مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ج ۲، ص ۳۰۷.

۵. میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی علیه‌السلام، ص ۱۳۸.

۶. سدیلو (Sedillot)، دانشمند و نویسنده مشهور فرانسوی و نگارنده کتاب تاریخ العرب العام، متولد ۱۸۱۷م و متوفای ۱۸۹۳.

است که باعث کوری چشم‌های منتقدان و عیبجویان اسلام و کوری گوش‌های ایشان از حق می‌گردد.<sup>۱</sup>

جورج ویلز، دانشمند و مورخ انگلیسی، در پاسخ سؤال یکی از مجله‌های علمی اروپا می‌گوید: «بزرگ‌ترین کتابی که از آغاز تاریخ بشر تا کنون بیشتر از سایر کتب در دنیا تأثیر بخشیده، چند کتاب، از جمله قرآن است؛ ولی قرآن، مهم‌ترین کتاب دنیاست؛ زیرا این کتاب آسمانی، اثری در دنیا گذارده که نظیر آن را هیچ کتابی به خود ندیده است. قرآن، کتاب علمی، دینی، اجتماعی، تهذیبی، اخلاقی و تاریخی است. مقررات و قوانین و احکام آن، با اصول قوانین و احکام و مقررات دنیای امروز تطبیق می‌کند و برای همیشه قابل پیروی و عمل است. هرکس بخواهد دینی اختیار کند که سیر آن با تمدن بشر پیشرفت داشته باشد، باید که دین اسلام را اختیار نماید و اگر بخواهد که معنای این دین را بیابد، به قرآن مراجعه کند.»<sup>۲</sup>

### - چرا از مسیحیت به اسلام رو آوردیم؟

جامعیت قرآن، باعث مسلمان شدن زنی آلمانی گشت. او که نامش را پس از تشریف به اسلام، «زهرا» گذاشت، می‌گوید: «هرچه بیشتر از تعالیم مسیحیت می‌آموختم، به همان نسبت شک و تردیدم بیشتر می‌شد، از این رو، به مطالعه مذاهب مختلف پرداختم. البته از همان آغاز، توخالی بودن بسیاری از آنها را فهمیدم؛ تا آنکه قرآنی به زبان آلمانی تهیه کردم. هرچه بیشتر قرآن را مطالعه می‌کردم، بیشتر از آن حالت ازهم‌گسیختگی و آشفتگی درونی‌ام کاسته می‌شد و بالاخره با مطالعه قرآن، گمشده‌ام را یافتم. آری، آن حقیقتی را که سال‌ها به دنبالش می‌گشتم و در پی آن به هر دری سر زدم، اسلام و قرآن بود.»<sup>۳</sup>

خانم برگیت جمیله می‌گوید: «من در شرکتی به عنوان منشی کار می‌کردم و از لحاظ مادی، تمام چیزهایی را که یک انسان آرزویش را دارد، داشتم؛ اما پیوسته در درون خویش احساس خلأ و کمبود می‌کردم. از مذاهب مختلف چیزهایی خوانده بودم؛ ولی در هیچ‌کدام

۱. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه سحاب، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۲. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۹.

۳. میر احمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی علیه السلام، ص ۱۳۸.

گمشده‌ام را نمی‌یافتم؛ تا آنکه با قرآن و اسلام آشنا شدم. شروع به مطالعه قرآن کردم. هرچه بیشتر می‌خواندم، احساس می‌کردم وضع روحی‌ام روزبه‌روز در حال بهبودی است.<sup>۱</sup>

#### ۴. عقلانیت و قانونمند بودن قرآن

طبق آموزه‌های قرآن، خداوند که حق مطلق است، جهان را نیز بر اساس حق و عدل آفرید و به پیامبرش نیز می‌فرماید: «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ»<sup>۲</sup> با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به‌روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن.»

ولتر، فیلسوف و نویسنده فرانسوی می‌گوید: «من یقین دارم که قرآن و انجیل را اگر به یک فرد غیرمتدین ارائه دهند، او حتماً اولی را خواهد گزید؛ زیرا که کتاب محمد ﷺ در ظاهر افکاری را تعلیم می‌دهد که به اندازه کافی بر مبانی عقلی منطبق است.»<sup>۳</sup>

ادوارد مونته، استاد دانشگاه ژنو،<sup>۴</sup> می‌گوید: «قرآن برای ما مسیحیان، کتابی فوق‌العاده سودمند است ... مطالب قرآن، مقارن با اصول و قواعد معقول و توأم با تعبیرات خوشایند و شگفت‌انگیز است. اصول فلسفه روحانی را به زبان دینی در آن خواهید یافت. [کتابی است] به‌غایت ملیح و بدیع و جالب؛ مانند مروارید. مسائل دینی را چنان مشروح و مدلل بیان کرده که حتماً این‌گونه بیان در عهد ظهور پیامبر عرب، حیرت‌آور است.»<sup>۵</sup>

کار لایل، فیلسوف انگلیسی، می‌گوید: هیچ‌کس قرآن را با تأمل و اندیشه نمی‌خواند، مگر اینکه می‌بیند حقایق جوهری به‌ذات خود نزد وی آشکار و ظاهر است و قرآن را وابسته به اصلی حقیقی و پیوسته به مبدهی عالی و مقدس می‌یابد... حق، آن است که تمام کتب در برابر قرآن حقیر و کوچک‌اند و این کتاب، از هر گونه عیب و نقص و اصول ناپسند، پاکیزه و مبرا است.»<sup>۶</sup>

۱. همان.

۲. انعام، آیه ۱۲۵.

۳. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۲۸.

۴. قرآن پژوه، مترجم قرآن به زبان فرانسه و نویسنده اولین معجم موضوعی قرآن.

۵. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۲۹.

۶. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه سحاب، ص ۱۵۳.

## - چرا مسلمان شدم؟

هنگامی که از دکتر جرینه، علت مسلمان شدنش را سؤال کردند، پاسخ داد: «من تمام آیات قرآنی که در زمینه علوم طبیعی و بهداشتی و طبی بود، مطالعه کردم و آنها را به خوبی فهمیدم و آنها را مطابق دقیق ترین قانون های علوم طبیعی و پیچیده ترین اصول ثابت شده علوم عقلی دیدم و یقین کردم که هزار سال قبل جز خدا، هیچ کسی بر روی زمین، از آن قوانین و اصول آگاه نبود. پس، به حقانیت و خدایی بودن چنین کتابی ایمان آوردم و مسلمان شدم؛ زیرا یقین کردم که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متجاوز از هزار سال پیش، بدون اینکه معلم بشری داشته باشد، حق را بیان کرده است. اگر هر دانشمندی آیات مربوط به رشته تخصصی خود را در قرآن مطالعه کند و خود را از غرض دور نگه دارد، بدون تردید، مانند من، مسلمان خواهد شد.»<sup>۱</sup>

گوته، فیلسوف و شاعر آلمانی، در مورد استحکام مبانی و قانونمند بودن قرآن می گوید: «مرام و مقاصد قرآن، فوق العاده قوی و محکم، و مبانی آن، بلند است و هر لحظه عظمت و مزایای آن فزون تر می گردد و ما را به جانب اهمیت و علو مقام خود بیشتر جذب می کند. این کتاب با این وصف، به زودی بزرگ ترین تأثیر را در تمام دنیا نموده، نتیجه مهمی خواهد داد.»<sup>۲</sup>

## ۵. تأثیر قرآن در بنیادهای علمی بشر

این حقیقت بر پژوهشگران دنیا، روشن است که بسیاری از بنیادهای علمی و فکری و تمدن کنونی بشر، متأثر از قرآن و آموزه های پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و عملکرد علمای اسلام و مسلمانان است. رابین کوک، وزیر امور خارجه اسبق انگلیس، می گوید: «غرب، به اسلام بسیار مدیون است. اسلام، بنیادهای فکری بخش عظیمی از تمدن غرب را پایه ریزی کرد. از شناخت اعداد تا درک ما از ستارگان، بسیاری از مبانی تمدن ما (اروپایی ها)، ریشه در تعالیم اسلام دارد.»<sup>۳</sup>

۱. عبدالله احمدیان، قرآن شناسی، ص ۲۳۴.

۲. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه سحاب، ص ۱۵۹.

۳. محمد آراسته خو، وامداری غرب نسبت به شرق، ص ۵۰۶.

هر تویک هیر چفلد<sup>۱</sup> می‌نویسد: «از اینکه قرآن را سرچشمه علوم می‌یابیم، نباید تعجب کنیم. تمام موضوعاتی که مربوط به آسمان‌ها، زمین، زندگی انسان، تجارت و انواع گوناگون معاملات است، در سطح عالی و ماهرانه در قرآن هست... توسعه شگفت‌انگیز جهان اسلام در تمام شعب علوم، غیرمستقیم مدیون قرآن است. قرآن، نه تنها مسلمانان را به دانش تشویق کرد، بلکه فلاسفه یهود را نیز ترغیب کرد که مسائل مذهبی و ماوراءالطبیعه را به روش مسلمانان تعقیب کنند. آخرالامر، اسکولاستیک (علم کلام مسیحی) آن‌چنان با عرفان اسلامی پرورش یافته و ترقی کرد که احتیاج به بحث زیادتری نداشت... بررسی علم نجوم نشان می‌دهد که مسلمانان قرن‌ها نگهداران این علم بودند. منجمان قرون وسطای اروپا، شاگردان مسلمانان بودند. به همین ترتیب، قرآن، تحولی در مطالعات طبی ایجاد کرده، دستور بررسی عالم طبیعت را به طور کلی داد.»<sup>۲</sup>

آقای رود ویل، اسلام‌شناس انگلیسی، می‌نویسد: «باید اعتراف کرد که قرآن، به واسطه ارشادات عالی و نظریات عمیقش، سزاوار است که مورد توجه کامل قرار گیرد. این کتاب، همان روح قوی می‌باشد که یک ملت نادان و فقیر را منقلب ساخت و تمدن نیرومندی را که رونقی کامل داشت، به وجود آورد؛ تمدنی که بال‌های خود را از سمت مغرب تا اسپانیا، و از سمت مشرق به حدود هند گسترش داد و در اندک زمانی، امپراطوری بزرگی را تأسیس نمود... اروپا نباید فراموش کند که مدیون قرآن است؛ همان کتابی که آفتاب علم را در میان تاریکی قرون وسطی در اروپا، جلوه‌گر ساخت.»<sup>۳</sup>

ژول لابوم، خاورشناس فرانسوی، می‌گوید: «به دنیا و اهل دنیا و به همه آنهایی که خود را روشنفکر و مغز جامعه و به آنهایی که قدری آموخته‌اند، اعلام می‌کنم با دیده انصاف به گذشته دنیا بنگرند، معارف و علوم پیش از اسلام را مطالعه کنند و ببینند که آیا دانش و علم برای مردم دنیا جز به واسطه مسلمانان عرضه شده و مسلمانان این علوم و دانش را از قرآنی که مانند دریای دانش بود، گرفته و از آن نهرها جدا نمودند. این قرآن برای همیشه موجود مانده و مردم هر دوره و زمان، به اندازه فهم و شعور خود از آن استفاده می‌نمایند.»<sup>۴</sup>

۱. هر تویک هیر چفلد (R.M.Hare) متوفای ۱۹۱۹.

۲. محمدجواد باهنر، *آغاز نهضت اسلامی* (قرآن در نظر اروپاییان)، ص ۵۷ و ۵۸.

۳. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، *طبقات مفسران*، ص ۱۰۰.

۴. ابو عبدالله زنجانی، *تاریخ قرآن*، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۱۵۸.



مجلس بیستم: قرآن از دیدگاه دانشمندان غیرمسلمان ■ ۲۶۳

و باز او می‌گوید: «ای مردم! در قرآن دقت کنید تا حقایق آن بر شما آشکار شود. این همه علوم و فنون که اعراب کسب کرده‌اند، این همه کاخ دانش و بینش که اعراب وحشی بنیاد نموده‌اند، اساس و شالوده آن را قرآن ریخته است.»<sup>۱</sup>

## ۶. قرآن، کتاب صلح و دوستی

دین اسلام، دین صلح و سلام و محبت و الفت است و دشمن جنگ و جدال است؛ مگر در موقعی که موجبات قهری اقتضا کند و دفع خصم یا قطع ریشه فساد ضرورت یابد. با این رویکرد است که «در قرآن کریم به آیاتی بر می‌خوریم که مسلمانان را به ترک قتال و تحمل هر آزار و اذیتی در راه خدا دعوت کرده، از آن جمله فرموده: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ \* لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ \* وَلَا أَتُمُّ عِبَادُونَ مَا أَعْبُدُ.» و یا در آیه‌ای دیگر فرموده: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا؛ و در برابر آنچه [دشمنان] می‌گویند شکیبیا باش و به طور شایسته از آنان دوری گزین.»

اسلام جنگ را هنگامی تجویز می‌کند که ظلم و تجاوز دشمن قابل تحمل نباشد و یا موجب تجرّی دشمن و تسّری جنگ به سایر بلاد و باعث فساد و هرج و مرج و تضييع حقوق انسانی گردد؛ چنان که می‌فرماید: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا، وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ \* الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ؛<sup>۲</sup> کسانی که مورد هجوم قرار می‌گیرند، اجازه قتال [و دفاع از خود] دارند؛ چون به آنان ستم شده و خدا بر نصرتشان قادر است؛ همان‌هایی که از خانه‌هایشان بدون حق بیرون رانده شدند.» حتی سفارش شده است که هنگام دفاع، اولاً، قصد قربت الی‌الله بکنید. ثانیاً، تجاوز نکنید؛ «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و [وقت جنگ، از حدود شرعی و قوانین عقلایی جنگ] تجاوز نکنید که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد.»<sup>۳</sup>

۱. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۹.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، ج ۲، ص ۹۴.

۳. حج، آیه ۴۰.

۴. بقره، آیه ۱۹۰.

و فرموده: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا!»<sup>۱</sup> و دشمنی و کینه کسانی که نگذاشتند به مسجد الحرام درآیید، شما را وادار به تعدی نکند. و اگر دشمنان ستیزه‌جو تسلیم شدند و به صلح و آشتی رو آوردند، آن را بپذیرید؛ «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»<sup>۲</sup> و اگر بدون درخواست صلح و آشتی، دست از جنگ و خصومت برداشتند، راه صلح و آشتی را جست‌وجو کنید. «از این رو، فرموده: «فَإِنْ اتَّهَوُا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»<sup>۳</sup> پس، اگر [جنگ] را پایان دادند، [شما نیز پایان دهید و بدانید که] جنگ و تعدی، تنها در برابر ستمکاران واجب است.»

قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که به همه مردم احترام بگذارید و با آنان نیکو سخن بگویید؛ «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»<sup>۴</sup> و یا به پیامبر اسلام ﷺ دستور می‌دهد: به همه پیروان ادیان الهی بگو: بیاید بر سر اصول مشترک، مخاصمه را کنار بگذاریم و زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشیم.<sup>۵</sup>

آقای دوزی، خاورشناس هلندی، می‌گوید: «بعد از اینکه عرب دیانت یافته و به قرآن ایمان آورد و دل‌ها به نور دین حنیف اسلام روشن شد، مسلمانان با لباس نوی در برابر تمام مردم روی زمین عرض اندام نمودند که آن آیین صلح‌طلبی و آرامش‌خواهی و آزادی افکار در معاملات و کردار بود. تعلیمات پیغمبر اسلام این گونه بود: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»<sup>۶</sup> در قبول دین، اکراهی نیست؛ [زیرا] راه درست از راه انحرافی، روشن شده است.» و آیه «لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»<sup>۷</sup> [به معبود] کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید؛ مبدا آنها [نیز] از روی [ظلم و] جهل، خدا را دشنام دهند.»

۱. مائده، آیه ۲.

۲. انفال، آیه ۶۱.

۳. بقره، آیه ۱۹۳.

۴. بقره، آیه ۸۴.

۵. رک: آل عمران، آیه ۶۴.

۶. بقره، آیه ۲۵۶.

۷. انعام، آیه ۱۰۸.

## ۷. اعجاز ادبی قرآن

کلمات قرآن در تلطیف عواطف و تحریک روح حماسی، آن‌چنان تأثیرگذار بوده و آهنگ و جمله‌بندی‌های موزون آن، چنان اعجازی آفریده که معاندان، مردم را از شنیدن آیات قرآن بر حذر می‌داشتند؛ «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ؛<sup>۱</sup> کافران گفتند: گوش به این قرآن فراندهید؛» چه آنکه «وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ؛<sup>۲</sup> و هر زمان، آیاتی را که بر رسول [خدا] نازل شده، بشنوند، چشم‌های آنها را می‌بینی که [از شوق] اشک می‌ریزد و برای حقیقتی که دریافته‌اند، می‌گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم. پس ما را با گواهان [و شاهدان حق، در زمره یاران محمد] بنویس.»

بلر، خاورشناس معروف آلمانی، می‌گوید: «لغت قرآن، فصیح‌ترین لغات عرب، و اسلوب بلاغت آن، طوری است که افکار و عقل‌ها را به جانب خود جذب می‌کند.»<sup>۳</sup>

جورج ویلز، دانشمند انگلیسی، می‌گوید: در قرآن، بهترین عبارات و عالی‌ترین جملات نازل گردیده و اسلوب فصاحت و بلاغت آن، به حدی زیباست که عقول عقلا را حیران ساخته است. قرآن، کتابی است ابدی و جهانی.»<sup>۴</sup>

سنت هیلر، مستشرق فرانسوی، درباره سبک قرآن می‌گوید: «من برای آن، شبیه و مانندی در تمام تاریخ مذاهب بشر، نمی‌توانم بیابم.»<sup>۵</sup>

ارنست رنان، فیلسوف معروف فرانسوی، می‌گوید: «در کتابخانه من، هزاران جلد کتاب سیاسی، اجتماعی، ادبی و... وجود دارد که هرکدام را بیش از یک بار نخوانده‌ام؛ اما یک جلد کتاب هست که همیشه مونس من است و هر وقت خسته می‌شوم و می‌خواهم درهایی از معانی و کمال به رویم باز شود، آن را مطالعه می‌کنم. این کتاب، قرآن، یعنی کتاب آسمانی مسلمانان است.»<sup>۶</sup>

۱. فصلت، آیه ۲۶.

۲. مائده، آیه ۸۳.

۳. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه ابوالقاسم سحاب، ص ۱۶۱.

۴. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۹.

۵. همان، ص ۸۹.

۶. بلاشر، درآمدی بر قرآن، ترجمه اسدالله مبشری، ص ۱۲.

پرفسور آرتور آربری انگلیسی، مترجم معروف قرآن،<sup>۱</sup> می‌گوید: «قرآن، بزرگ‌ترین شاهکار ادبی نوع بشر است و به قول پیکتال در ترجمه قرآنش، آن آهنگ غیرقابل تقلید که تنها اصواتش انسان را به گریه و جذبه می‌کشاند.»<sup>۲</sup>

در پایان، اظهار تأسف رژی بلاتر، استاد دانشگاه سوربن فرانسه، از غفلت مسلمانان، شنیدنی است. او اظهار تأسف می‌کند از اینکه: «قرآن [با آن محتوا و جامعیتی که دارد]، در دیار مسلمانان غریب است و آن‌چنان‌که شایسته قرآن است، بدان نمی‌پردازند.» وی سپس می‌گوید: «اگر ارزش و رهایی‌بخشی قرآن برای همگان معلوم گردد، می‌توان امید داشت که در سرنوشت بشر، اصلاحات ساختاری صورت بگیرد.»<sup>۳</sup>

---

۱. ادیب، شاعر و مترجم معروف قرآن کریم. وی قرآن را طی دو جلد به زبان انگلیسی ترجمه کرده و کوشیده است بر اساس رشته تخصصی خود، گوشه‌ای از موسیقی و آهنگ بی‌نظیر آیات قرآن را جلوه بخشد.

۲. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ص ۱۰۰.

۳. محمد آراسته‌خو، واداری غرب نسبت به شرق، ص ۴۸۸.